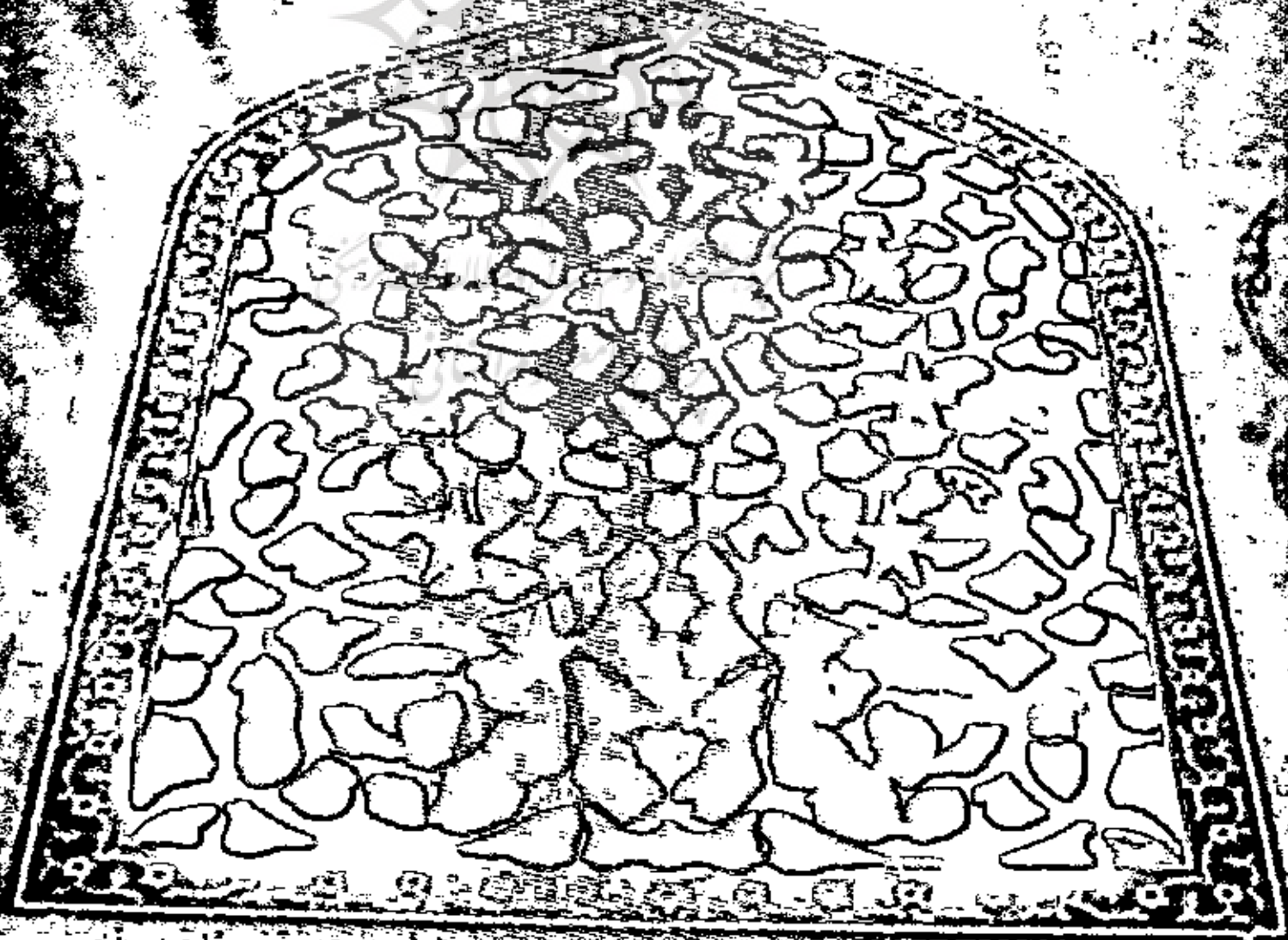
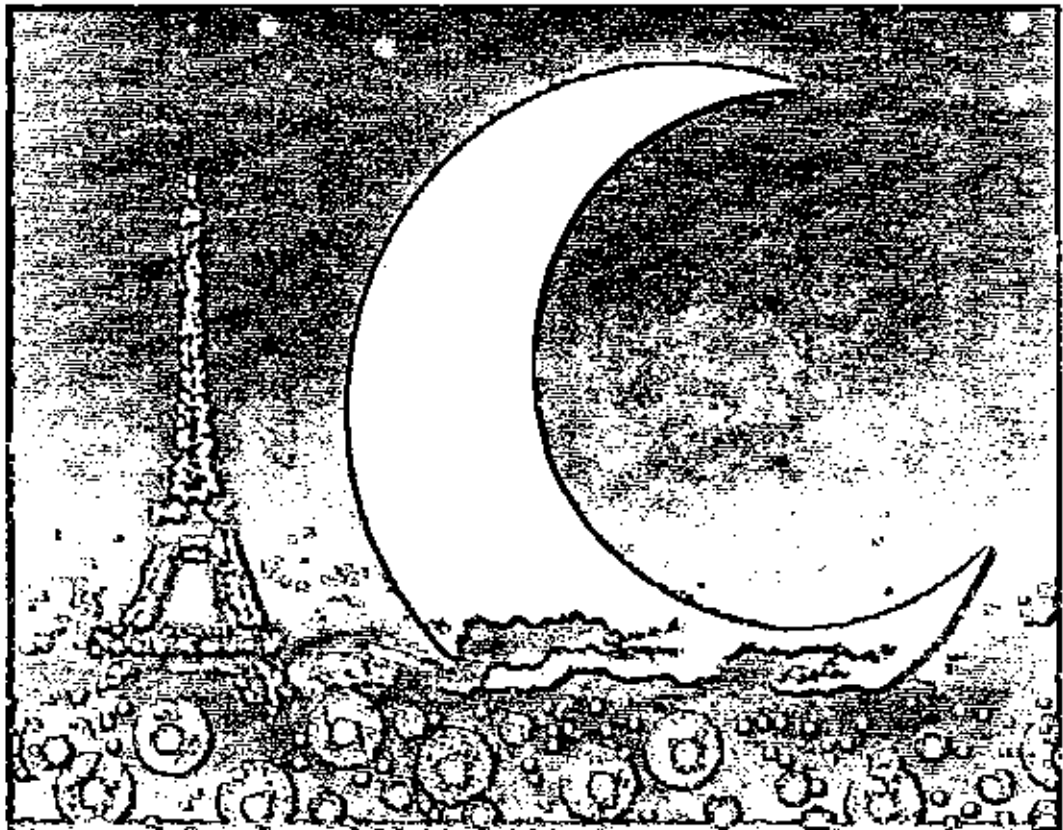


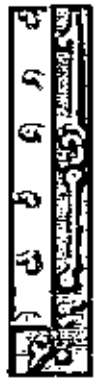
# اسلام اروپا پر







# اروپا و شیخ الاسلام



به تمامی مدرن و امروزی بودند و حتی به سایر با مردمان بیادگرایی که با دیدن این دختران عصر مسن الله زمزمه می کردند و در سر صدای صدور اسلام بیادگر را می پروراندند تفاوت داشتند قبا برای ایران وجود خود حجاب را برگزیده بودند.

حضور رسا محجبه برای روح اروپایی که حضور هر فرد در عرصه عمومی را تنها به عنوان شهروند دولت به رسمیت می شناخته قابل تحمل نبود اما فراتر از این زنان محجبه نشانیگر بحرانی در مفهوم دولت اروپایی و به خصوص فرانسوی بودند در مفهوم دولت ملت فرانسوی میان شهروند و دولت (به عنوان نماینده سیاسی شهروند) هیچ عائلتی حتی خنثی وجود ندارد و شایسته آموزش های جمهوری که توسط دولت آموزش داده می شود و آموزش می یابد برای زنان محجبه مهاجر اسلام نهاد واسطی میان آنها و دولت به شمار می آمد تمام این پیچیدگی ها به نظر زیر غباری که از حملات تروریستی برخاسته بود پنهان ماند حتی ترفند به سر کردن روسری هایی منقوش به پرچم فرانسه هم کارساز نشد و نتوانست همین جمله ای که ایراز هویتی جز هویت شهروندی در صحن عینی جامعه را تحمل نداشت به خود جلب کند.

حضور اسلام در اروپا برای خود به تلام هم تجربه متفاوتی بود و هم نشانگر آنکه تجدد بر سنت های دینی چه آورده است خودمانگلی مدرن که در چنین سنت هایی نفوذ کرده سازگاری آنان با محیط را بسیار کم کرده است هنگامی که کسانی چون طارق رمضان از اسلام اروپایی سخن می گویند مسلمانان برند و کسی سخت برآخته می شوند که در این اروپایی شدن چه از اسلام باقی خواهد ماند؟ اما وقتی کسی مانند پام طیبی با ایمان می آید که اسلام در شمال آفریقا را بر جنوب شرق آسیا به رنگ آن محیط در آمده و می توان همان طور که از اسلام آفریقایی و اسلام مالزیایی و چرا راه دور برویم اسلام ایرانی سخن گفته از اسلام اروپایی هم می توان سخن به میان آورد از این ماجرا گریزی نیست اما دست کم می توان از صورت های انحرافی اش دوری کرده صورت های اسلام را از فرهنگ به ایندو آوری بدل می کنند خود آگاهی مدرن تا حد زیادی اسلام را از نحوه زیست به منظومه فکری بدل کرده است و دگما تعارضات درونی و بیرونی اش را تجدد را به رخ می کشد این تقلیل نه تنها اسلام را از بویایی هایی که در محور نحوه ای از زیست است می اندازد که این خطر را هم پیش می آورد تا در های این منظومه روی هر نور و پد های بسته شود.

مواجهه اسلام و اروپا موجی هم در این سو به راه انباشت و بپ حرف از اسلام اروپایی از همین جایز شد مسلمانان برای ماندن در اروپا چه باید بدهند و چه باید بگیرند؟ این مسئله جنبه تاریخی دارد با توجه به اینکه سایر مسلمانان هم دیر یا زود تاگزیر از این مسئله هستند بنابراین این آتش دیر یا زود دهن ما را خواهد گرفت و کسی چه می داند که تکرر شده است با ما خود را به بی خیالی زنده می آید بر خلاف نگاه های سلطه دلاتی که هر بعرفی در حیات فکری جهان مدرن را به مناسی پایان آن تعبیر می کنند بویایی بحث های فکری که پیشی از انسان را در این پرورده می خوانند نشان از آن دارد که مانند همیشه تجدد با نقد بر حیران فائق خواهد آمد دوباره به ارزش های خود باز خواهد گشت و در آنها تامل خواهد کرد که تجدد در مراجعه است.

اتحادیه اروپایی و اعلام می کرد بحث فرایند اروپا چیست و چه اصل یا اصول مشترکی این کشورها را کنار هم می نشاند به راه افتاد وقتی در آستین نام سران کشورهای اروپایی برای مواجهه یا مشکل گسترش اتحادیه اروپایی به شد برقی به تبادل نظر پرداختند این سوال پیش آمد که مرزهای اروپا کجاست؟ آیا ارزش های اروپایی این مرزها را مشخص می کنند؟ اروپا همواره بر نقش اش در ایجاد و بسط ارزش های مدرن در تمام جهان می یابد اما این ارزش ها در آغاز هزاره چنان جهان شمول شده بودند که نمی شد بر مبنای آن هویتی سیاسی ساخت و مرزهای جغرافیایی معین کرد اما آیا واقعا جهان شمول شده بودند؟ دختران روسری پوش و تروریست های انفجاری ایمادی از این بودند که ارزش های معرنی چون سکولاریسم و دموکراسی در زادگاه خود در مخاطر ماند باید زود دست به کار شد همان زمان که بحث حجاب در فرانسه بالا گرفته و فیلسوف فرانسوی لوزی دیرد الیزابت بدنتر آن فینکر کورت الیزابت دوختنی و کاترین کینتورا در نامه ای در نول ایزو انور، ژر مسلمان خواستند مخالفت خود را با دختران محجبه ابراز کنند برای آنان عقب نشینی جمهوری فرانسه در برابر حجاب همچون عقب نشینی دموکراسی در برابر هتلر بود دولت فرانسه استدلال می کرد این دختران در سنین پایین به سنت و تحت القائلت خانواده چنین می کنند تحقیقات اما نشان داد این دخترکان خود بر ملزوم شان می نازند که چرا حجاب بر سر نمی کنند ایشان حجاب را به عنوان سبک زندگی برگزیده بودند و گزینش سبک زندگی خود نشانه ای است به خود آگاهی و مگر خود آینی استش فرد گرایی مدرن نیست؟ آن گونه که تحقیقات خسرو خاور و فرانسوا گلبار نشان می داد این دختران نه با تعهد زوجات موافق بودند و نه به کار و حضور زنان در عرصه عمومی، مر نامساز کاری داشتند آنان

باب جهان شمولی اصولی مدرنیته بسیار می شدن آن در گرفته بود حالا از قلب تجدد سر بر آورده بود. ماجرا آنجا پیچیده تر می شد که مواجه شدن با اسلام تنها مواجهه های مدنی نبوده مواجهه با اسلام برای اروپا، مواجهه های اخلاقی را بر می نمود اگر در اکتبر ۱۹۸۹ در مدرسه ای در حومه پاریس چند دختر دبیرستانی - علی رقم مخالفت مدیر مدرسه - بر تکه داشتن حجاب خود اصرار داشتند و در عرض ۳ هفته حجاب را به مسئله اصلی فرانسه بدل کردند همان سال ها یک روش سه عملیات تروریستی به سر کردگی گروهک الجزایری GIA که با دولت الجزایر در نبرد بود و دولت فرانسه را هم حمله آن می دانستند با گرفتار لوج این تروریسم در سال ۱۹۹۵ اختزوری پاریس را آرزاند و چند ماهی بعد نوع آمریکایی اش در سپتامبر ۲۰۰۱ توجه تمام جهانیان را به خود جلب کرد این ترور دومی اگر چه دست پخت گروهک الفاصده بود شما حالا دیگر همه از ماهیت سیاسی آن خبر دارید بسیاری الفاصده رابطه آمریکا و کشورهای عربی چیزی در حد روابط پالستیناری فرانسه و الجزایر بود اروپا داشت توان زخم هایی که در صحر استعمار بر پیکر جهان اسلام وارد کرده بود را می برداخته روح معذب اروپایی (تورقرب) به این مسائل هم فکر می کرد اما آشفته تر از آنی بود که میان یسب و روسری توانی قائل گسود همان طور که زمانی پیش از این سگه اندیشه گمان می کرد دختران نسل دومی مهاجران، بکته خنثی اندام های مغربی را معرئزه می کنند حالا به چشم سر باران گشام ترور یسم به آنان نگاه می کرد.

متون غفاریان شیخی در حال تسخیر (روح) اروپاسته شیخ اسلام تمام قدرت های اروپایی مدرن برای کلنجار رفتن با این شیخ در اتحادی متعین شرکت چستند. وقتی در سال ۱۸۴۷ مارکس و انگلس، مانیفست کمونیست را تقدیم اتحادیه کمونیستی کردند شیخ کمونیسم بر تمام جان و تن اروپا زخم زده بود و با این حال تصور آن نسبت رفت این زخم ها چیزی جز پوست کناری اروپای کهن نیستند اما آیا آنچه که هم اکنون در اروپا رخ می دهد مرحله ای در پوست کناری اروپا خواهد بود؟ بعد از این پوست کناری چه از اروپا باقی خواهد ماند؟ در ۵۰ سال گذشته اسلام از دین حاشی های در اروپا به دین دوم در کشورهای چون فرانسه، انگلستان، آلمان و حتی هلند تبدیل شده است اروپای مدرن، بنیاد خود را بر نوعی سکولاریسم و مذهب خصوصی ممان داده است اما این را هم بگویم که به واسطه ارتباط تاریخی با ۲ دین مسیحیت و یهودیت با حضور عمومی آنان کنار می آمد اما با ظهور اسلام به عنوان پدیده های عمومی (public) تمام مشکلات نظری دین و عرصه عمومی که در سازشی عقلی پوشانده شده بودند دوباره سر بر آوردند حضور عمومی دین به واسطه پدیده های معرنی چون جنایسی دین و دولت که در مورد کشوری چون فرانسه تا جدایی دین و حوزه عمومی هم پیش می روده قابل تحمل نبوده اما این عدم ملار خود به استناد ارزش های مدرن دیگری چون کثرت گرایی و خود مختاری فرد در انتخاب سبک زندگی قابل برده بود این چنین بود که بحث از حضور دین در فضای عمومی به بحثی دوباره در باب پدیده های مدرن بدل شد. طنز ماجرا چیزی پیش از اینها بوده میادش که از سر جهان گسترش مدرنیته در اینجا و آنجا آید جای کره خاکی - و اغلب دور از متروپول - در